

# بی اعتنا به مال و مقام بود



مرحوم دکتر علی اکبر فیاض، متولد سال ۱۲۷۷ شمسی، از شاگردان مستقیم ادیب اول نیشابوری بود و بدیع الزمان فروزانفر نیز در همان حلقه شاگردی می‌کرد. در واقع بیشتر شاگردان ادیب اول، از جمله فروزانفر، در محدوده سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۲۸۵ متولد شده‌اند و دکتر فیاض تقریباً یک سال از فروزانفر بزرگ‌تر بود. جمله‌ای در فضای مجازی بسیار نقل می‌شود که گویا استاد فروزانفر در پاسخ به پرسش دکتر شفیعی‌کدکنی درباره بهترین شاگردانش، نام علی اکبر فیاض را در کنار چند تن دیگر آورده است. در منابع برخی پژوهشگران، از جمله در کتاب «زندگی و اشعار ادیب نیشابوری» مرحوم دکتر یدالله جلالی پنداری، نامی از فیاض در زمره شاگردان ادیب نیامده است و دلیل آن چنین بوده که مرحوم دکتر فیاض در آن دوره با نام علی اکبر شهیدی شناخته می‌شد. در حالی که فیاض نه تنها شاگرد ادیب بود، بلکه از نظر مرتبه علمی پهلوی پهلوی فروزانفر می‌زد؛ گرچه مسیر دانشگاهی اش او را به تهران و سپس اخذ درجه دکتری کشاند. اهمیت این نکته در آن است که اگر در برخی گفته‌ها و یادداشت‌های شبکه‌های اجتماعی جملات و نقل قول‌هایی از فروزانفر درباره شاگردانش منتشر می‌شود، باید در صحت آن‌ها دقت کرد. دکتر فیاض، چه در مقام شاگرد ادیب و چه در مقام استاد، جایگاه برجسته‌ای داشته است.

آنان، حاج میرزا حبیب مجتهد خراسانی، مردی بود که به دانستن زبان‌های خارجی تشویق می‌کرد و خود به فرانسه آشنایی داشت. در همان روزگار، برخی چهره‌های شاخص خراسان، مانند خدابنده با یکی، چندین زبان از جمله انگلیسی، فرانسوی و آلمانی می‌دانستند و در مشهد آموزشگاه زبان دایر کرده بودند. این محیط علمی و زبان‌آموزی، با تئاتر همان روحیه‌ای است که بعدها در شخصیت فیاض استمرار یافت.

## ● مردی بی ادعا و پاک دست

از جنبه اخلاقی و اجتماعی نیز فیاض، برخلاف بسیاری از رجال سیاسی دوران، فردی پاک دست و بی اعتنا به مال و مقام بود. او با آنکه دودوره نماینده مجلس شورای ملی پیش از شهریور ۱۳۲۰ بود، در نامه‌ای به دکتر غنی می‌نویسد که «دوست دارم به آمریکا بیایم و شما را ببینم، اما نه حال مزاجی‌ام خوب است، نه توان مالی‌ام». چنین گفتاری از مردی که سال‌ها در مقام‌های رسمی و آموزشی خدمت کرده، نشانه نوعی پاکی و سادگی در زیست اوست. بسیاری از شاگردان ادیب اول نیز همین ویژگی را داشتند. آنان از سیاست‌کناره‌نگر بودند، اما اثراتی نیندوختند و حتی پس از دوران نمایندگی، به معلمی و پژوهش بازگشتند. نکته دیگر اینکه در همان فضای ادبی خراسان، بسیاری از شاگردان ادیب، از جمله فیاض، فروزانفر، فرخ، بهار و دیگران، هم تعلیم سنتی دیده بودند و هم درگیر تحولات اجتماعی زمانه خود بودند. آنان در عین پایبندی به ادب قدیم، نگاهی تازه به جامعه داشتند و همین روحیه بود که بعدها در دانشگاه‌های ایران منتشر شد؛ چنان که دانشکده ادبیات تهران با حضور بهار، فروزانفر و مدرس رضوی آغاز شد. دانشکده تبریز با شاگرد ادیب طوسی، اصفهان با سیداحمد خراسانی و دانش‌سرای عالی با پروین گنابادی، همه با همان سنت علمی خراسان پیوند داشتند. در مشهد نیز پایه‌ای که دکتر فیاض برای آموزش ادب فارسی نهاد، در ادامه همان خط فکری بود که ادیب اول بنا کرده بود.

درس سیاست و تدبیر می‌دیدند. غنی نیز همان‌گونه که تاریخ‌رامی شناخت، به نقش این آثار در تجدد و خودشناسی ملی باور داشت. او در مقدمه چاپ تاریخ بیهقی می‌نویسد: «تاریخ بیهقی از متون مهمی است که به تجدد در تاریخ نویسی مایاری رسانده است.» از همین منظر می‌توان دریافت که دکتر فیاض نیز از چاپ این اثر هادی فراتر از صرف علاقه ادبی داشته است. او مانند غنی معتقد بود که بازخوانی آثار ادبی کلاسیک، گامی برای خودشناسی نقادانه و در نتیجه، زمینه‌ساز تجدد فرهنگی ایران است.

## ● زبان دانی چشمگیری فیاض

افزون بر این، فیاض تسلط چشمگیری بر زبان‌های خارجی داشت. او علاوه بر زبان عربی، در زبان‌های فرانسه، آلمانی، روسی و یونانی نیز تبحر داشت. در نامه‌ای به دکتر غنی می‌نویسد که چون پژوهش‌های مهم تاریخ اسلام به زبان آلمانی نوشته شده، آلمانی آموخته است تا بتواند از منابع اصلی استفاده کند. درباره زبان یونانی نیز می‌گوید: «اکنون که یونانی می‌خوانم، آثار افلاطون را بهتر درمی‌یابم و می‌توانم درک کنم که مجالس آنان چه لطف و ذوقی داشته است.» این سخن نشان می‌دهد که فیاض نه به قصد تفاخر، بلکه از روی شور شناخت و شوق علمی به فراگیری زبان‌ها پرداخته بود.

خاندان دکتر فیاض از خانواده‌های اهل علم و ادب خراسان بودند؛ خانواده‌ای که شاخه‌های آن (شهیدی، نظام‌شهیدی، حبیبی و حبیب‌اللهی) بیش از شصت‌ساله شاعر و اهل فضل را در خود جای داده‌اند. نیای

و تربیتی به آموزش نسل جوان از فارغ‌التحصیلان همین دبیرستان، بعدها چهره‌هایی چون دکتر ضیاءالدین سجادی برخاستند که در خاطر ایشان از معلمان روشنگر و نوجوی خود سخن گفته‌اند، معلمانی که شاگردان را به خواندن آثار هدایت و تولستوی ترغیب کرده و اندیشه نقد و تفکر آزاد را در آنان بیدار ساخته بودند. این فضا را باید حاصل مدیریت و اندیشه تربیتی دکتر فیاض دانست؛ مدیری که سخت‌گیری او سبب رکود نبود، بلکه نظم، مطالعه و رشد فکری را در دبیرستان نهادینه کرده بود.

## ● ارتباط‌های علمی با دانشمندان

از دیگر محورهای مهم در زندگی علمی فیاض، دوستی و همکاری او با دکتر قاسم غنی است. قاسم غنی از پزشکان و سیاست‌مداران برجسته اهل سبزوار بود که سال‌ها در بیمارستان حشمتیه آن شهر خدمت می‌کرد و در میان اهل ادب و دانش نیز جایگاه والایی داشت. نتیجه همکاری این دو دانشمند، تصحیح و نشر یکی از متون بزرگ ادب فارسی یعنی تاریخ بیهقی بود.

پرسش مهمی که در اینجا پیش می‌آید، این است: چرا غنی به سراغ تاریخ بیهقی رفت؟ پیش از او در دوران قاجار کسانی چون امیرنظام گروسی کوشیده بودند متون کلاسیکی مانند تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه را احیا کنند، زیرا در آن متون،

## ● مدیری لایق و فاضل

اما آنچه برای من جالب توجه است، نقش و موقعیت مدیریتی اوست. حدود سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۲، یعنی زمانی که هنوز دانشگاه تهران تأسیس نشده بود، دکتر فیاض مدیریت دبیرستان شاه‌رضای مشهد را برعهده داشت. این دبیرستان در روزگار خود هم سنگ دبیرستان البرز تهران بود و از نظر نظم، آموزش و فعالیت‌های فرهنگی، یکی از مراکز مهم علمی خراسان به شمار می‌رفت. بعدها که دبیرستان حکیم نظامی قم تأسیس شد، این دو مجموعه در کنار هم نمونه‌هایی درخشان از آموزش نوین ایران بودند.

در دبیرستان شاه‌رضا کلاس‌هایی برگزار می‌شد که نشانگر دیدگاه‌های پیشرو و فرهنگ پرور مدیر آن بود؛ کلاس‌هایی همچون مناظره، فن بیان، شنا، کوهنوردی و حتی باشگاه‌هایی با نام «کلوب ورزش» و «کلوب کوهنوردی». چنین برنامه‌هایی در سال‌هایی ارائه می‌شد که هنوز بسیاری از ساختارهای آموزشی کشور شکل نگرفته بود. امروز اگر در مدارس خصوصی گران‌قیمت بپرسیم که چه مهارت‌هایی به دانش‌آموزان می‌آموزند، کمتر نشانی از چنین آموزش‌هایی می‌بینیم. فیاض مدیری بود که هم تحصیلات سنتی و تلمذ نزد استادان بزرگ داشت و هم نگاهی مدرن